



جای خالی معرفی پیامبر اکرم (ص) در ادبیات داستانی

در قوم خویش غریب!

کودکی را بازگو کرده اثر چندان جذابی در ادبیات نداریم که بتوانیم با خیال راحت به مخاطب پیشنهاد کنیم!

پاسخ به این پرسش که چرا در این فضا آثاری تولید نشده و با وجود بوده‌های هنگفت فرهنگی در یک حکومت دینی تصویری مبتنی بر واقعیت با زبان داستان درباره پیامبر آخرالزمان (ص) تولید نشده اساساً کار هیچ‌کس نیست و این سوال به قوت خود بایرجاست ولی این ابهام وجود دارد که آیا واقعاً نوشتن درباره پیامبر خدا (ص) در توان نویسنده‌های ما نبوده یا این که هم‌دلی و همراهی در ایشان وجود نداشته که درباره ایشان قلم بچرخاند و اثری قابل دفاع خلق کنند. در حالی که می‌بینیم بسیاری از آن‌ها با پول نهادهای مختلف آثاری که شاید اولویت چندم فرهنگی ما بوده را به خوبی و دقت خلق کرده‌اند ولی درباره پیامبری که ما خود را به او منتسب می‌دانیم؛ هیچ!

این در حالی است که حتی آن‌هایی که اعتقادی به مسیح (ع) نداشته‌اند از زاویه خود درباره این پیامبر خدا نوشته‌اند و می‌توان ردپایی از ایشان در آثار داستانی غربی مشاهده کرد که معتقدان به مسیح یا منتسبان به او در داستان‌ها حضور دارند و خواننده می‌تواند تصویری از این پیامبر را ببیند.

پیامبری که نهضتش یک نهضت فرهنگی بوده و معجزه‌اش کتاب بوده است. پیامبری که رسالتش ارتقا فرهنگی بوده و انسان‌ها را از جهل و نادانی نجات داده بود درباره‌اش اثری مکتوب و جدی که بتواند چهره‌شان را به مخاطب امروز که مصرف‌کننده محصولات فرهنگی است، بنمایاند در دسترس نیست.

حتی اثر ارزشمند «آنگ آن یتیم نظر کرده» محمد سرشار که نثری کهن دارد و درباره زمان ولادت پیامبر آخرالزمان است هم با وجود تعریف و تمجیدهای مختلف، برای مخاطب امروز که به محتوای کپسولی خو کرده کشتش و جذابیتی ندارد.

در مجموع به نظر می‌رسد که پیامبر اسلام (ص) در میان مسلمانان هم ناشناخته است و اگر کسی خودش از روی علاقه دنبال خواندن متون تاریخی درباره ایشان باشد و بتواند به شناخت برسد در غیر این صورت نهادهای فرهنگی از طریق محتوای جذاب تلاشی برای شناساندن او نکرده‌اند. حتی ما به عنوان یک جامعه مسلمان این توانایی را نداریم که با ترجمه متون مکتوب خود پیامبران را به جهان آن‌طور که هست معرفی کنیم، زیرا متنی وجود ندارد!

انگار راهی جز این که در این بخش از نداشته‌هایمان حرف بزنیم کار دیگری از ما بر نمی‌آید! یک هفته درباره نداشتن یک شخصیت جذاب پلیسی همچون شرلوک هولمز و بار دیگر درباره نداشتن یک روایت مستند از حافظ و مرتبه بعدی درباره جای خالی یک رویداد تاریخی در ادبیات و حالا این هفته هم درباره یکی دیگر از خلأهای موجود در ادبیات داستانی. پیامبر رحمت (ص) آن شخصیتی است که در این شماره می‌خواهیم درباره‌اش حرف بزنیم و بگویم ایشان با آن مقام و مرتبه جایش در میان آثار داستانی داستان‌نویسان فارسی خالی است و فقط می‌توان افسوس خورد که چرا ادبیات توفیق نداشته تا روی ایشان باشد.

حسام آبنوس
دبیر قفسه

حالا که چهل سال از پیروزی انقلاب اسلامی می‌گذرد طبیعی است که انتظار داشته باشیم روایتی جامع و جذاب از زندگی پیامبر اسلام (ص) را در لباس ادبیات بخوانیم و با آن زندگی کنیم. در حالی که امروز تنها مستمسک ما برای خوانش شخصیت ایشان همان متن‌های تاریخی است که برخی از آن‌ها نیز جذابیت چندانی ندارد. این در حالی است که حقانیت مسیری که حضرت محمد (ص) آغازگر آن بوده‌اند امروز بر جهانیان روشن شده و کسی نمی‌تواند آن را انکار کند و موج توهین‌ها و ناسزاگویی‌ها به ایشان نشان می‌دهد که روز به روز نور این حقیقت عالم را از تاریکی خارج می‌کند اما با وجود این ناسزاگویی‌ها و توهین‌ها اما نویسنده مسلمان دست به کار نشده و اثری درخور تولید نکرده تا مخاطب بتواند از دریچه آن به چهره نورانی ایشان بنگرد. اتفاقی که حتی در سینما هم چندان روی نداده در صورتی که این اتفاق درباره سایر پیامبران کم و بیش از سوی باورمندان به آن‌ها ولو تحریف شده اتفاق افتاده اما جای خالی پیامبر اسلام (ص) که به عنوان سرور پیامبران الهی معرفی می‌شوند، در ادبیات و سینما خالی است.

اگر مروری کنیم می‌بینیم که جز یکی دو کار که خیلی هم دیده نشده یا خیلی مخاطب نداشته‌اند هیچ‌کار شایسته‌ای که بگوییم نهایت تلاش یک هنرمند بوده برای ایشان خلق نشده است. اگر از آثاری مانند «قاف» یاسین حجازی و «سه کاهن» مجید قیصری بگذریم که اولی روایتی مستند براساس یک تفسیر کهن است و دیگری اثری داستانی است که یک روز از زندگی پیامبر در ابتدای

پاسخ به این پرسش که چرا در این فضا آثاری تولید نشده و با وجود بوده‌های هنگفت فرهنگی در یک حکومت دینی تصویری مبتنی بر واقعیت با زبان داستان درباره پیامبر آخرالزمان (ص) تولید نشده اساساً کار هیچ‌کس نیست



حسام آبنوس

دبیر قفسه

در آرزوی جاودانگی

در رساله ضیافت افلاطون آمده است که در اثر عشق به جاویدانی است که مردم طالب نام نیک و شهرتند و این‌که اهل معرفت

مرتضی صالح آبادی

نویسنده

جاویدانی جان را به جاویدانی تن رجحان می‌دهند. بزرگان چه مشهور باشند چه گمنام با کارهایشان جاودانه می‌شوند نه با عمر و فرزند و دارایی و دیگر ظواهر. این مقدمه کوتاه می‌تواند دریچه‌ای باشد برای ورود به جهان رمانی فلسفی از نویسنده مشهور ایرلندی، اسکار وایلد که با نوشتن این رمان و البته نمایشنامه اهمیت ارنست بودن به شهرتی جهانی رسید. «تصویر دوریان گری» با این که سال ۱۸۹۰ نوشته شده و دیر زمانی از نوشته شدن آن می‌گذرد، نوعی تازگی همیشگی دارد که برای هر نسلی می‌تواند جالب توجه و قابل تامل باشد. شاید این اتفاق به دلیل موضوع این کتاب، یعنی جاودانگی جوانی باشد.

داستان رمان تصویر دوریان گری داستان مرد جوان و خوش سیمایی است که روزی، درست در زمانی که دوست نقاشش، بسیل هاوارد، از او نقاشی می‌کشد، آرزو می‌کند که جوانی‌اش جاودانه شود و هرگز پیر نشود و در عوض تابلو گرفتار گذران عمر شود. آرزوی دوریان گری برآورده می‌شود. اما وی به عنوان یک جوان زیبا و جذاب پس از پیری ناپذیری تبدیل به موجودی بی‌اخلاق می‌شود که کارهایش او را از هویت انسانی‌اش دور می‌کند.

دوریان در واقع روح خود را به بهای لذت و زیبایی ماندگار می‌فروشد. او این فرصت را تباه می‌کند. تابلوی نقاشی چهره وی شاید نمادی از روح فروخته شده دوریان است که با هر نوع گناه تغییر می‌کند و زیبایی آن نقاشی اولیه روزه به روز کمتر می‌شود. شخصیت دوریان گری حتی با پنهان کردن نقاشی و راز پلیدی خود، سرانجام دست به نابودی آن تابلو و هر چه که دارد می‌زند.

او به مرور تا جایی پلید می‌شود که اولین قتل خود را انجام می‌دهد و بسیل هاوارد، نقاش آن تصویر را می‌کشد. دوریان گری که هر روز چهره خود را در تصویر فرسوده‌تر و پیرتر می‌بیند و راهی برای از بین بردن پلیدی‌ها پیدا نمی‌کند، ناگهان خشمگین می‌شود و چاقوی بلندی را در قلب مرد درون تصویر فرو می‌کند. در همان لحظه مستخدمان صدای جیغ کریه‌ی را می‌شنوند و به سوی اتاق دوریان گری می‌شتابند. آنها تصویر ارباب خویش را در بوم نقاشی می‌بینند که در کمال جوانی و زیبایی است، آنچنانکه خود او را می‌دیدند، اما بر زمین جسد مردی نقش بسته است در لباس آراسته و کاردی در قلب، با پلیدترین و زشت‌ترین چهره قابل تصور؛ که تنها از انگشتی که به دستش بود می‌شد هویت او را فهمید. تصویر دوریان گری، تصویری از عمر آدمی و فرصت‌هایش می‌تواند باشد که پایان‌پذیری عمر را یادآوری می‌کند.



نظرسنجی روزنامه جام جم

همراه عزیز، لطفاً با ارائه بازخورد درباره روزنامه جام جم، به ما در بهبود خدمات آتی کمک کنید. کافی است با اسکن QR Code روبه‌رو یا مراجعه به نشانی jamejamdaily.ir وارد سامانه نظرسنجی شوید و نظرات خود را برای ما ارسال کنید.

موسسه جام جم

برگ سبز کامیونت ون نیسان ۲۴۰۰، رنگ
آبی معمولی، مدل ۱۳۸۱، شماره موتور
00196544، شماره شاسی C93564
و شماره پلاک ۸۶۷ ص ۱۷-ایران ۹۷ به نام
علی نجفی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز خودرو هیوندای سانتافه، مدل ۲۰۱۵،
رنگ سفید، به شماره موتور G4KEEU311792
و به شماره شاسی KMHST81CBFU329018
به نام معصومه حبیبی حبشی مفقود گردیده و
فاقد اعتبار است.